سال بیست‌وسوم ■ شماره ۶۵۳۲
یکشنبه ■ ۱۱ تیر ۱۳۹۶

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

editorial@iran-newspaper.com

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: داوود محمدی
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی / امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴ - ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: اشراق قلم‌پارسه سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی چاپ همزمان اصفهان (آنیل رسانه)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷

میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران: www.ion.ir/news/19949.html

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۳۳	۳۶	۳۶	۴۸	۴۳	۴۰	۳۸	۳۴
۲۰	۲۴	۲۰	۳۱	۳۰	۲۴	۱۹	۲۳

اذان ظهر ۱۳/۰۸ اذان مغرب ۲۰/۴۵ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۵ اذان صبح فردا ۴/۰۵ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۲

سخن روز

رسولِ اکرم صلی‌الله علیه و آله:
إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعَنَ آكِلَ الرِّبَا وَ مُؤْكِلَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدَيْهِ
خدای عز و جل رباخوار و ربا دهنده و نویسنده و شاهد بر آن را لعنت کرده است.

من لا یحضره الفقیه ج ۴، ص ۸، ح ۴۹۶۸ - امالی (صدوق) ص ۴۲۵، ح ۱

پوکر فیس

محمدامین فرشادمهر

شاعر پشت تریبون نکنی خود را گم!

ایده‌آل همه ما در جامعه وجود یک فضای بازه که بتونیم راحت انتقاد و حرفمون رو به گوش مسئولان برسونیم. در همین راستا پیشرفت‌های چشمگیری هم داشتیم؛ مثلاً صدای کوبیدن میخ می‌آد، پنجره رو باز می‌کنیم می‌بینیم دارن یه بنر تبلیغاتی به دیوار ساختمونمون نصب می‌کنن که توش به رئیس جمهوری انتقادات سازنده شده یا تلویزیون رو روشن می‌کنیم می‌بینیم توی یه میزگرد با موضوع افسردگی ماهی‌ها در حوضه‌های آبگیر بخش مرکزی فلات ایران، دو تا ماهی تیلاپیا نشستن دارن به رئیس جمهوری انتقاد می‌کنند. البته همه برنامه هم انتقاد به رئیس جمهوری نیست و وسطش چهار، پنج دقیقه آگهی بازرگانی پخش می‌شه؛ یا مثلاً می‌ریم سیرک خلیل عقاب، می‌بینیم آقا خلیل وسط اجرا، شیر رو توی حلقه آتش یه لنگه پا نگه می‌داره، دو خط راجع به آسیب‌های برجام صحبت می‌کنه و ادامه می‌ده. از اون طرف آقا شیره هم که یه مقدار روی حلقه آتشین برشته و طلایی‌تر شده، به خاطر اینکه مدتی تحت آموزش سند ۲۰۳۰ بوده، شروع می‌کنه به پرخاشگری. البته همیشه مخالفت‌هایی هم با فضای آزاد نقد وجود داشته و باعث شده دو مدل برخورد با نقد و منتقد داشته باشیم:

مدل اول: مسئول دلسوزی می‌آد بین مردم و می‌گه: «مردم عزیزم هر انتقاد و پرسشی که دارید بگید عمو ببینه». بعد منتقد بلند می‌شه می‌گه: «آقای مسئول دریاچه ارومیه کجاست؟ اون طرحی که دو ماه قبل افتتاحش کردید کجاست؟! دکل کجاست؟ اون چندهزار میلیارد کجاست؟» بدین ترتیب منتقد راحت و با آرامش سؤالاتش رو می‌پرسه. دوره بعدی، مجدداً همون مسئول دلسوز می‌آد و می‌گه: «مردم عزیزم هر انتقاد و پرسشی دارید بگید عمو ببینه.» این بار دوست همون منتقد بلند می‌شه و فقط می‌پرسه: «آقای مسئول دوست من کجاست؟!»

مدل دوم: منتقد بی‌طرف و سینه سوخته، یه کم خمیردندون می‌ذاره رو سینه‌اش تا سوختگی‌اش خوب بشه و می‌آد پشت تریبون و پرسش‌های صحیح و غیرغرض‌ورزانه‌ای از این قبیل می‌پرسه: «آقای مسئول چرا رأی آوردی؟ آقای مسئول حالا که رأی آوردی چرا زیاد آوردی؟ آقای مسئول چرا خورشید می‌تابه؟ آقای مسئول چرا می‌چرخه زمین؟ آقای مسئول تو فقط بگو چرا، تو فقط بگو همین!» بعد دوست مسئول بلند می‌شه از منتقد می‌پرسه: «عذرخواهی می‌کنم جسارتاً این دوست ما که داری بهش نقد سازنده می‌کنی کجاست؟» که منتقد می‌گه: «همین‌جا نشسته صف اول!»

همونطور که ملاحظه فرمودید شرایط بسیار غیرقابل پیش‌بینی‌ای در مورد نقد وجود داره؛ مثلاً همین الان دبیر محترم تحریریه گفت: «عزیزم شما که دوست نداری چند وقت دیگه تو ستون هفتگی‌ات تیتر بزنیم فرشادمهر کجاست؟» از اونجا که مسلماً پاسخ بنده حقیر سراپا تقصیر به این سؤال منفیه، می‌رم یک گوشه نون و فتوسنتزم رو می‌خورم و انتقاد اضافی نمی‌خورم!

کیوسک

آغاز «آسمان آبی»

نخستین شماره روزنامه «آسمان آبی» به مدیرمسئولی فوزیه محمدی و سردبیری حامد شفیعی دیروز منتشر شد. این روزنامه، قرار نیست خبری باشد، بلکه گزارشی و تحلیلی است و در ۳۲ صفحه منتشر می‌شود. شأن نزول این روزنامه از این بابت است که باوجود رشد شبکه‌های اجتماعی و وب‌سایت‌های خبری، روزنامه از کارکرد خبری خارج شده و باید به سمت گزارش و تحلیل رویدادهای خبری رفت و کار خبر را به خبرگزاری‌ها، وب‌سایت‌های خبری و فضای مجازی واگذار کرد. مجوز این روزنامه، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است اما مطالبی درباره سیاست خارجی، گردشگری، محیط زیست، علم و فناوری اطلاعات، اندیشه، تاریخ، ورزش، ادبیات، جامعه و هنر در حوزه تخصصی سینما و تئاتر و موسیقی و تجسمی دارد. ایده این روزنامه دو سال پیش مطرح شد و از ابتدای خرداد ماه کار رسمی شروع شد. از خرداد ماه دو نسخه پیش شماره منتشر شد تا آنکه شنبه ۱۰ تیر، نخستین شماره انتشار یافت.

«ایران» آغاز انتشار این روزنامه را به همکاران مطبوعاتی خود تبریک می‌گوید.

یکشنبه بازار فرهنگ

■ **نشست «زیستن خردمندانه در صلح»**

چهارمین نشست «زیستن خردمندانه در صلح» با موضوع مُلک و مُلک‌داریِ پایدار و مدبرانه در اندیشه سعدی، با سخنرانی عبدالمهدی مستکین، امروز ساعت ۱۰ صبح در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به نشانی بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آیینه وند (۶۴ غربی) برگزار می‌شود.

■ **نشست راهکارهای ارتقای جایگاه ادبیات داستانی دفاع مقدس**

نشست تخصصی موانع و راهکارهای ارتقای جایگاه ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، باحضور حسینعلی قبادی، قدرت‌الله طاهری، محمدرضا موحدی، محمد حنیف، احمد شاکری، علی‌اصغر شیرزادی، قاسمعلی فراست و مجید قیصری، امروز ساعت ۹:۳۰ صبح در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به نشانی بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آیینه وند (۶۴ غربی) برگزار می‌شود.

■ **جشن امضای فیلم مستند «قاب‌ها»**

آیین دیدار و جشن امضای فیلم مستند «قاب‌ها» ساخته کیوان مهرگان، با حضور صادق زیباکلام، امروز ساعت ۱۸ در کتابفروشی نشر ثالث واقع در خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، شماره ۱۴۸ برگزار می‌شود.

■ **«سنت سمات خوانی» در تلمود بابلی و آیین‌های مبتنی بر نگره‌های تاریخی**

نشست «سنت سمات خوانی» در تلمود بابلی و آیین‌های شیعیِ مبتنی بر نگره‌های تاریخی، زبان شناختی و انسان شناختی، با سخنرانی سید محمدهادی گرامی، امروز ساعت ۱۴ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود.

عکس‌نوشت

حسین افخمی
دانشیار ارتباطات
دانشگاه علامه طباطبایی

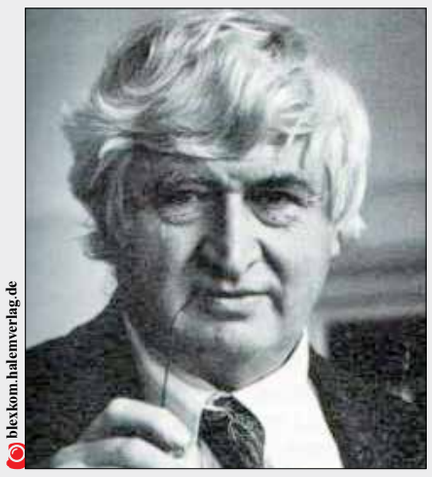

blexkom.halemverlag.de

درباره «دنیس مک کوئل» که روز پنجشنبه درگذشت

غروب ستاره‌ای از آسمان ارتباطات

دنیس مک کوئل (۲۰۱۷-۱۹۳۵) در لندن به دنیا آمد. مدرک کارشناسی در رشته تاریخ را در سال ۱۹۵۸ از دانشگاه آکسفورد گرفت. یک سال بعد به کسب دیپلم عالی در رشته اداره عمومی و اجتماعی در حوزه علوم اجتماعی از همین دانشگاه موفق شد. بین سال های ۶۵-۱۹۵۹ ابتدا به‌عنوان دستیار پژوهشی و سپس پژوهشگر ارشد در دو مرکز پژوهشی «تحقیقات تلویزیون» و «تلویزیون و آموزش» به ترتیب زیر نظر جی بلاملر و ژوزف ترانامن مشغول به کار شد. مدرک دکترای خود را در سال ۱۹۶۷ از دانشگاه لیدز با ارائه رساله‌ای در زمینه سیاست های اجتماعی تحت عنوان «عوامل اثرگذار بر منافع عمومی در نمایش‌های تلویزیونی» اخذ کرد. وی از دهه هفتاد میلادی در دانشگاه‌های متعددی از جمله ساتمپتون، لیدز، آمستردام، آنبرگ و پنسیلوانیا تدریس می‌کرد و داور بیرونی رساله‌های دکترای دانشگاه‌های معتبری مانند سیتی، لستر، گلداسمیت و لیدز بود. مک کوئل از سال ۱۹۹۷ صاحب کرسی ارتباطات (بالاترین رتبه علمی) در دانشگاه آمستردام هلند شد و این دانشگاه از ۱۰ سال قبل یک بورس تحصیلی سالانه در دوره تحصیلات تکمیلی ارتباطات جمعی به نام وی اختصاص داد. همچنین جایزه ویژه اندیشمندان جوان نیز از سوی انجمن بین‌المللی پژوهش در ارتباطات و رسانه‌ها از سال ۲۰۱۰ به نام او ثبت شد. جایزه دیگر این انجمن به نام هربرت شیلر اندیشمند امریکایی مطالعات انتقادی در ارتباطات اختصاص دارد. وی یکی از بنیانگذاران فصلنامه اروپایی ارتباطات (پژوهشی) به همراه بلاملر و گولدینگ بود که امسال ۳۳ ساله می‌شود.

اگر آثار علمی منتشر شده وی را از ابتدای دهه ۱۹۶۰ تاکنون رصد کنیم، به بالغ بر ۱۵ عنوان کتاب اعم از انفرادی، مشترک و ویراستاری و ده‌ها مقاله علمی پژوهشی بر می‌خوریم. در میان آثار وی کتاب نظریه‌های ارتباطات جمعی وی با استقبال بیشتری روبه‌رو شد و شهرت جهانی وی از آن است. به طوری که در سال ۲۰۱۰ این اثر با عنوان جدید «نظریه‌های ارتباطات جمعی مک کوئل» به چاپ ششم رسید و هنوز در بازار نشر از جای ویژه‌ای برخوردار است. مک کوئل در گفت‌وگویی (۲۰۱۲) علاقه‌اش به مطالعه ارتباطات جمعی را تحت تأثیر نوشته‌های ریموند ویلیامز و ریچارد هوگارت ذکر می‌کند. وی بدون آنکه خود را کنشگری سیاسی بداند تغییر روند مطالعه‌اش از تاریخ به علوم اجتماعی و سپس تمرکزش روی ارتباطات جمعی را در همین رابطه و نقش پررنگ و اهمیت تلویزیون در دهه ۱۹۶۰ ذکر می‌کند.

از مک کوئل تاکنون سه اثر به فارسی ترجمه شده است. مخاطب شناسی (۱۳۸۰ دکتر مهدی منتظر قائم)، درآمدی بر نظریه‌های ارتباط جمعی (۱۳۸۲ دکتر پرویز اجلالی) و مدل های ارتباطات جمعی (۱۳۸۸ گودرز میرانی) و البته کتاب مقدمه‌ای بر نظریات ارتباط جمعی (۱۳۸۰ دکتر هرمز مهرداد) که اقتباس و ترجمه‌ای آزاد از چاپ دوم کتاب نظریه‌های ارتباطات جمعی مک کوئل است. می‌توان گفت خواننده ایرانی از اوایل سال‌های ۱۳۸۰ با این دسته از آثار او به صورت ترجمه آشنا می‌شوند. هر چند استناد منابع علمی دانشگاهی در ایران به آثار او پیشینه‌ای طولانی‌تر دارد. بسیاری از دانشجویان و جامعه علمی در کشور ما وی را بیشتر با مدل‌های ارتباطات جمعی، نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها و مخاطب شناسی می‌شناسند.

نویسنده این سطور نخستین بار با اسم او از طریق یک جزوه درسی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی در سال ۱۳۵۶ آشنا شد که وی را «دنیس مک کیل» معرفی می‌کرد. آن جزوه ترجمه‌ای بود از فصلی از کتاب «جامعه شناسی ارتباطات جمعی» که وی در سال ۱۹۷۲ منتشر کرده بود. اسم او تاکنون با تلفظ‌های متفاوتی در زبان فارسی بر کتاب‌هایش نهاده شده است از جمله «مک کوایل»، «مک کوئیل»، «مک کویل»، ولی من ترجیح می‌دهم اسم او را «مک کوئل» بنویسیم و با صدای اِل بجای یل در انتهای کلمه بخوانیم.

آخرین بار سال گذشته وی را در مراسم نکوداشت استاد و همکارش جی بلاملر در کنفرانس سالانه انجمن بین‌المللی تحقیق در ارتباطات و رسانه‌ها که در شهر لستر برگزار شده بود، ملاقات کردم. وی روی ویلچری نشسته بود و سراپا به خاطرات استاد ۹۲ ساله‌اش گوش فرا می‌داد. خیلی‌ها در این جمع حاضر بودند. اغلب شاگردان گذشته و همکاران امروز بودند. ظاهراً مراسم تجلیلی از هر دو نفر آنها بود ولی او تا انتها ساکت بود و چون روی ویلچر بود در جایگاه نرفت. در پایان برنامه فرصتی فراهم شد تا دو نفره صحبتی داشته باشیم. پس از معرفی خودم از او پرسیدم که آیا چاپ جدیدی از کتاب نظریه‌های ارتباطات جمعی در راه است که وی پاسخ داد: خیر. البته می‌دانست برخی از کتاب‌هایش به فارسی ترجمه شده است. بلافاصله روی یک تکه کاغذ آدرس ایمیل شخصی خودش را برایم نوشت تا در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با هم مکاتبه کنیم.

نزدیک به یک سال از آن زمان می‌گذرد و من هنوز منتظر فرصتی برای مکاتبه یا ملاقات با او در جمع انجمنی‌ها بودم. با وجود خبر درگذشتش، او را هنوز در همان لباس سراپا روشن و سفیدش به یاد می‌آورم که بر آن ویلچر در مجاورت در ورودی سالن نشسته بود. هرگز تصور نمی‌کردم که او با لباس سفیدش برای آخرین خداحافظی یا وداع آمده باشد. گویا داشت آخرین نشست علمی را تجربه می‌کرد. جای او در نشست سالانه انجمن که در هفته‌های آتی در کشور کلمبیا برگزار خواهد شد برای همیشه خالی خواهد بود. با هر توجیهی مرگ او یک ضایعه بود. مرگ او به مثابه غروب یک ستاره درخشان در آسمان ارتباطات جمعی معاصر جهان ترسیم خواهد شد. یادش گرامی باد. روزنامه‌های ما هم نوشتند «دنیس مک کوئیل چهارم تیر ۱۳۹۶ در سن ۸۲ سالگی فوت کرد.»

ایران نگاری

علی رنگچیان
طراح و مجری «تجربه گردشگری شهری»

مورخ مغربی شیفته ایران

به بهانه زادروز «عبدالهادی التازی»

عبدالهادی التازی، زبان‌شناس و تاریخ‌دان مشهور معاصر عرب است که مدتی همزمان با انقلاب ۱۳۵۷ ایران سفیر پادشاهی مراکش در تهران بوده است. عمده فعالیت دیپلماتیک وی به‌عنوان سفیر در عراق بود که دوبار در سال‌های دهه شصت و اوایل دهه هفتادِ قرن گذشته در آنجا مأموریت داشت. مدتی هم سفیر کشورش در لیبی و امارات بود و دو ماه پس از پیروزی انقلاب در ایران به‌عنوان سفیر اعزام شد که بیش از یک سال به طول انجامید. اما با وجود این اقامت نسبتاً کوتاه و مشکلات مختلف پس از پیروزی انقلاب، او خاطره بسیار مثبتی از ایران و فرهنگ و هنر و تمدنش داشت و آن را صریحاً بیان می‌کرد، پیوسته با اعجاب بدان و به فرآورده‌های علمی و دینی‌اش می‌نگریست و آنچنان مسحور اصفهان بود که نام یکی از دخترانش را «اصفهان» گذاشت.

از وی دست‌کم یکصد اثر چاپ شده است. او از جمله کسانی است که در مورد جغرافیای خلیج فارس و فرهنگ ایرانیان کتاب نوشته و از نام خلیج فارس دفاع کرده است. التازی همچنین کتابی تحت عنوان «ایران بین الیوم و امس» نوشته که نگاهی به روابط فرهنگی ایران و مغرب دارد.

التازی مصحح سفرنامه ابن بطوطه است و در حاشیه سفرنامه توضیحات جالبی در مورد شهرها و آبادی‌های یاد شده در سفرنامه ارائه می‌کند.

خط سیر ابن‌بطوطه از شمال آفریقا تا اسکندریه و قاهره و مصر علیا به قصد عبور از دریای سرخ به جده و مکه و انجام فریضه حج بود، ولی به لحاظ ناامنی راه از آنجا به شام و فلسطین برگشت و از آن راه راهی مکه شد و پس از حج راهی عراق و موصل و دیاربکر و از آن راه داخل ایران شد. این خط سیر در نقشه کتاب عبدالهادی التازی ضمیمه است. به نوشته التازی، ابن‌بطوطه چهار بار و به تعبیری ۵ بار از نواحی مختلف ایران دیدن کرده، اما هیچ گاه سراسر ایران را سیر نکرده است. عبدالهادی التازی در ۱۳ فروردین ماه ۱۳۹۴ در ۹۴ سالگی زندگانی را بدرود گفت.

پی‌نوشت: در نگارش این مطلب از یادداشتی به قلم محمد مسجدجامعی استفاده شده است.

alchetron.com

آیین

به مناسبت سالگرد شهادت آیت‌الله صدوقی

شهیدی به لهجه صداقت

اسماعیل علوی / آیت‌الله صدوقی یکی از چهره‌های بزرگ انقلاب اسلامی، اما کمتر شناخته شده برای نسل جوان است که سرعت حوادث و شهادت پیاپی شخصیت‌های انقلاب در مجهول ماندن ارزش‌های وجودی این چهره صادق و صمیمی انقلاب بی‌اثر نبوده‌اند. فضایل و ویژگی‌های ایشان تا بدانجا بود که وقتی از شهید مطهری سؤال می‌شود اگر برای امام اتفاقی پیش بیاید چه کسی می‌تواند رهبری بعد از امام(ره) را برعهده بگیرد، ایشان قاطعانه از آیت‌الله صدوقی نام می‌برد.

شهید صدوقی انسانی وارسته، متواضع، مردم دار، شجاع، بسیار صادق و درعین حال مدیر و مدبر و قاطع بود. پیش از انقلاب توفیقی بود تا با واسطه‌ای از طریق همکاری با ایشان در خدمت انقلاب باشم. شاید کمتر کسی باشد که بداند شهید صدوقی یکی از عناصر اصلی استمرار بخش نهضت امام خمینی(ره) در دوران تبعید امام به نجف بود.

اعلامیه‌های امام اول بار به دست ایشان می‌رسید و متن آن در اختیار افراد مطمئنی قرار گرفته و در سطحی وسیع منتشر و توزیع می‌شد. رابطه‌ای که هرگز کشف نشد و ساواک با همه نفوذ خود پی به آن نبرد. در سفری به نجف در راه برگشت در حالی که نسخه اصلی اعلامیه‌ای از امام را همراه داشت و آن را در دستمالی پیچیده بود وقتی مأموران از ایشان می‌پرسند درون این دستمال چیست؟ شهید صدوقی صادقانه می‌گوید؛ اعلامیه آیت‌الله خمینی! اما مأموران آن را به شوخی و طعنه تفسیر کرده و می‌تواند از گیت بازرسی عبور کند. یادش گرامی و راهش مستدام باد.

نگاره

اردشیر رستمی

رُخش ز گرما به دگر سوی تافت
امیرخسرو دهلوی

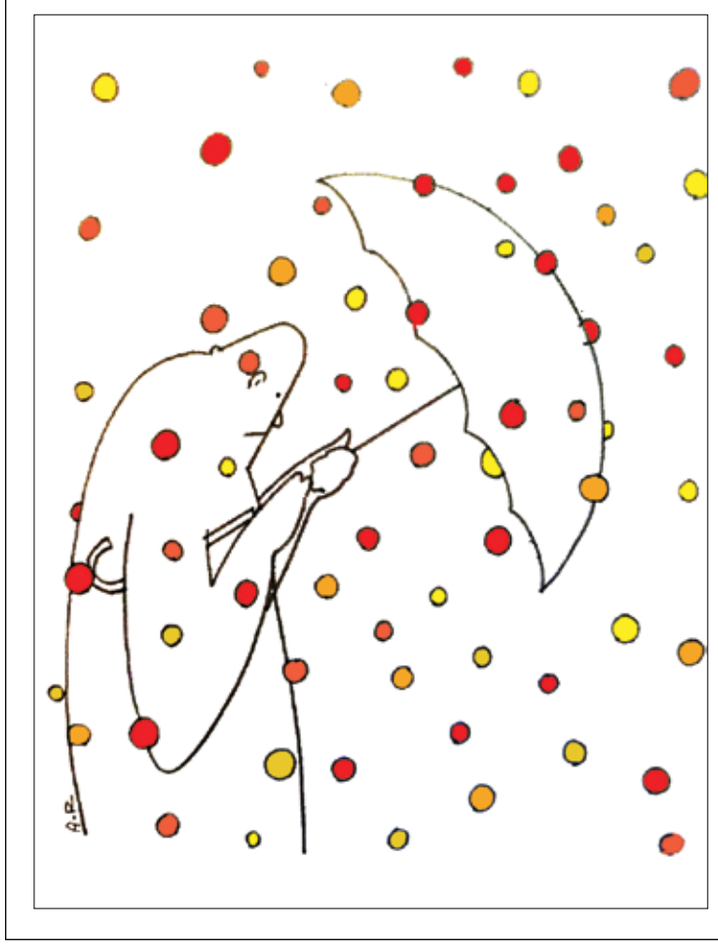

عدد

۳۰ پژوهشگر در کنگره «ژول ورن» در کوبا

۳۰ پژوهشگر از کشورهای مختلف در هاوانا، پایتخت کوبا، گرد هم آمدند تا ۱۱۷ سال پس از مرگ ژول ورن، نویسنده فرانسوی، به بررسی آثارش بپردازند. این کنگره نخستین بار است که در هاوانا، پایتخت کوبا، برگزار شده و این شهر از ۲۸ تا ۳۰ ژوئن میزبان ۳۰ پژوهشگر از ۸ کشور جهان بوده است. سخنرانان اصلی این همایش را خوزه میگل سانشس و الیور ماندوادو مکزیکی تشکیل دادند.

۵۳ فیلم اکران نشده در راه ششمین جشنواره شهر

از میان ۱۰۶ فیلم سینمایی متقاضی حضور در جشنواره شهر، ۵۳ فیلم هنوز اکران نشده‌اند که از میان آنها می‌توان به گذر موقت، اگزما، ایتالیا ایتالیا، خانه کاغذی، قشنگ و فرنگ، آپاندیس، کوپال، ویولونیست، صله سحر، چراغ‌های ناتمام و... اشاره کرد.

یادداشت‌های ایران باستان

سهراب گنجی مراد
پژوهشگر تاریخ

لطایف داستان گذشتن کی سیاوش از آتش

شاهنامه حکیم توس، پر است از داستان‌های زیبا و پر راز و رمز: داستان فریدون و ضحاک، آرش کمانگیر، زال و رودابه، هفت خوان رستم، رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، کی سیاوش و کیخسرو. در آنها حکیم توس اقیانوس مواجی از هنرهای خود را برای انعکاس سمبل‌های پیچیده فرهنگ ایران باستان عرضه کرده است. در برخی از این داستان‌ها هنرنماییِ بسیار اعجاب آورتر است. یکی از آنها داستان سیاوش و کیخسروست، این دو کاملاً به هم پیوسته‌اند. در این داستان فلسفه تاریخ ایران باستان مطرح شده است، نکته فوق العاده مهمی که از دید مفسرین شاهنامه کاملاً پنهان مانده است. برای شروع بحث و بیان لطایف داستان کی سیاوش، ماجرای گذشتن او از آتش را انتخاب کرده‌ام. در این ستون و در چهار ستون بعدی، پس از آشنایی مقدماتی با داستان، به بیان لطایف می‌پردازم. داستان آنقدر لطیف و پر از سمبل‌های مغانی اعجاب آور است که حد و اندازه ندارند. متأسفانه بسیاری از این لطایف در تفسیرهای شاهنامه مغفول واقع شده است. خلاصه ای از داستان را ارائه می‌کنم. عمداً خلاصه داستان را به نحو معمول تفاسیر شاهنامه نقل می‌کنم، خلاصه ای که عاری از بسیاری از لطایف و اشارات است تا خوانندگان گرامی، پس از بیان برخی از لطایف داستان در هفته‌های آتی، با دو نوع نگاه کاملاً متفاوت به شاهنامه مواجه شده و آنها را با هم بسنجند.

■ **کی سیاوش و سودابه**

کی سیاوش پسر کیکاوس پس از تربیت و فراگیری راه و رسم پهلوانی از رستم، جهان پهلوان ایران، از زابلستان برگشته و چشمان پدر و ایرانیان از دیدن دوباره او روشن شده است. او بشدت مورد توجه نامادری خود (سودابه، دختر شاه هاماوران (یمن)) قرار گرفته، داستانی همانند یوسف و زلیخا میان آنها پیش می‌آید و کی سیاوش از پذیرش درخواست بی‌شرمانه او سر باز می‌زند. کیکاوس از ماجرا باخبر می‌شود و سودابه سیاوش را متهم می‌کند که قصد مراوده جنسی و شهوت رانی را داشته است. کیکاوس میان عشق به سودابه و پسرش مردد می‌ماند و دست به دامان موبدان می‌شود و آنها « آزمایش آتش (وَر)» را برای اثبات بی‌گناهی کی سیاوش پیشنهاد می‌کنند.

نقاشی اثر حسن اسماعیل زاده (چلیپا)

■ **اشعار نغز شاهنامه**

حکیم توس در اینجا، چه هنرنمایی کرده است. تو گویی که همه پارسیان (پرهیزکاران، با تقوایان) قرار است برای اثبات بی‌گناهی از آتش بگذرند:

نهادند بر دشت هیزم دو کوه / جهانی نِظاره شده همگروه
گذر بود چندانک جنگی چهار / میانه برفتی به تنگی سوار
.....
وَر ایدونک زین کار هستم گناه/ جهان آفرینم ندارد نگاه
به نیروی یزدان نیکی دهش/ از ین کوه آتش نیابم تبش

شاهنامه خالقی مطلق، دفتر دوم

■ **جنگ با افراسیاب**

سیاوش غمگین از این وضعیت: بدگویی‌های دوباره سودابه و تردید کیکاوس. به جنگ با افراسیابی که رو به ایران آورده، می‌شتابد. پس از شکست طلیعه سپاه توران و پیشنهاد صلح آنها، برای تضمین صلح تقاضای گروگان می‌کند. گروگان‌ها به اردوگاه سیاوش می‌آیند. او به پدر نامه می‌نویسد و کیکاوس خیره سر، فرمان کشتن گروگان‌ها را می‌دهد. سیاوش نالان از این کار ظالمانه، سپاه را به سرداران ایرانی می‌سپارد و از افراسیاب می‌خواهد راهی باز کند تا از ایران هجرت کند. پیران ویسه (وزیر خردمند افراسیاب) به شاه توران پیشنهاد می‌کند که این شاهزاده و شاه آینده ایران را پناه دهد. سیاوش به توران می‌رود، شهری به نام سیاوشگرد را تأسیس می‌کند و با فرنگیس دختر افراسیاب ازدواج می‌کند. ازدواجی که ثمره آن تولد کیخسروست، شاه شاهان شاهنامه. در اثر بدگویی و حسادت گرسیوز (برادر حسود و بدخواه افراسیاب) سیاوش در سیاوشگرد سر بریده می‌شود و این امر باعث خونخواهی ایران از توران و جنگ عظیم کیخسرو با افراسیاب می‌شود.

در مطلب هفته آینده و سه مطلب بعدی به لطایف و اشارات داستان خواهم پرداخت و ساحت دیگری از شاهنامه را بر روی خوانندگان گرامی می‌گشایم.

ایران ما

رضا سلیمان نوری

کاروانسرای شاه‌عباسی؛ یادگاری از عهد صفوی در کرج

کاروانسرای شاه‌عباسی کرج بنایی سنگی آجری مربوط به دوران صفویه است، در سمت جنوب شرقی میدان توحید، این شهر جای گرفته است. این بنا را می توان یکی از ارزشمندترین آثار دوره صفویه دانست که در شاهراه ابریشم قرار داشته است. این کاروانسرا در ابتدای ساخت مکان استراحت کاروان‌ها و مرکب‌هایشان بوده اما در اوایل دوران قاجار تبدیل به قلعه نظامی و در اواخر آن مدرسه فلاحت شده است. مساحت کل بنای کاروانسرای شاه عباسی کرج ۳ هزار متر مربع و مساحت حیاط میانی ۹۰۰ متر مربع و ورودی آن از ایوان شمالی است. پیرامون حیاط میانی آن ۲۱ حجره ایوان‌دار برای استراحت مسافران و پنج بارانداز برای نگهداری کالا و جایگزینی همراهان و نگهبانان کاروان‌ها وجود دارد. سنگ، آجر، چوب و کاهگل عمده مصالح به کار رفته در ساخت کاروانسرای شاه عباسی کرج است. نکته جالب توجه درباره این بنای ثبت ملی شده استان البرز این است که برخلاف نام آن، این بنا در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی یعنی حدفاصل سال‌های ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۹ هجری قمری ساخته شده است.